

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: توماس هارت

فرستنده: عثمان حیدری

۰۸ سپتمبر ۲۰۲۰

کارگر خواروبار فروش

تفکر فاشیستی را به مثابه ریشه کارزار ضدماسک می‌بیند

در جانی که سوسیالیست‌ها به نوع بشر به مثابه یک کل، یک قبیله بزرگ نگاه می‌کنند، فاشیست‌ها ملت‌ها را به مثابه «بدن‌ها» و مردم ساکن در آن‌ها را به مثابه سلول‌های صرف آن بدن، یک نوع فردگرایی جمع‌شده، می‌بینند. در یک چشم‌انداز سوسیالیستی همدلی نسبت به همه وجود دارد، زیرا فقط همه وجود دارد. ما می‌توانیم و باید جهان را از آن خود نمائیم، جهانی که ارزش زندگی کردن در آن وجود داشته باشد، جهانی که در آن هر انسان از کرامت، آزادی، و ثمرات کار خود برخوردار است.



در میان فاصله‌گذاری در جریان شیوع کووید-۱۹، یک صندوق‌دار در حالی که ماسک بر صورت دارد در پشت یا حایل شفاف بین خود و مشتری که ماسک بر صورت ندارد در یک مغازه خواروبارفروشی در دالاس کار می‌کند. سان فرناندو، کالیفرنیا- من خیس عرق و با تقلا برای نفس کشیدن از طریق پارچه ضخیم ماسک به داخل مغازه برگشتم. من باقی روز را در برابر خود می‌دیدم: ده دقیقه بعد را با خنک شدن در یخچال دیواری لبنیات خواهیم گذراند،

قدری آب یخ خواهم نوشید، سپس به کار با مردم باز خواهم گشت. تردیدی نیست که با یک معترض دیگر علیه سیاست ماسک ما برخورد خواهیم کرد؛ آن‌ها حداقل یک روز در میان جار و جنجال به راه می‌اندازند. شنیدن این که کسی از زدن ماسک به صورت به مدت حدود ۱۵ دقیقه‌ای که صرف خرید می‌کند خودداری می‌نماید، عجیب و ناراحت‌کننده است؛ تعهد شما به مردم‌داری با مشتریان مانع از این می‌شود که یادآور شوید که شما حداقل هشت ساعت در روز، پنج روز در هفته ماسک به صورت دارید، و این که ماسک با وجود مایه زحمت بودن آن، شما و آن‌ها را سالم نگه می‌دارد. اعتراضات در سراسر کشور علیه زدن ماسک به صورت، یک چیز را برجسته می‌نماید: تقابل بین چیزی این چنین عادی و واکنش‌های غیرعادی به داشتن آن‌را.

ویروس کیش فرد

در واقع منطقی که در پشت اعتراض علیه ماسک وجود دارد بسیار قدیمی‌تر از همه‌گیری ویروس کرونا است – این کیش فردی است که از زمان پیدایش سرمایه‌داری هر جنبه از جامعه ما را اشباع کرده است. بعد از حرکت آرام تغییرات اقلیمی، ویروس نزدیک‌ترین چیزی است که ما به یک بحران جهانی داریم. این از مرزها عبور می‌کند و شش‌های مردان و زنان، سیاه و سفید را مسدود می‌نماید. در درون این بحران، اخگر مسؤولیت جمعی ما نهفته است و در برابر ما دو راه وجود دارد: ما می‌توانیم انسانیت مشترک خود را به مثابه نوع بشر و احساس تعهد متقابل خود را به رسمیت بشناسیم، یا می‌توانیم در تاریک‌ترین نوع بربریت سقوط نماییم. سرمایه‌داری ما را سنگدل‌تر کرده است. منطقی که سرمایه‌داری برای حفظ حاکمیت خود به کار می‌گیرد در عبارت «مشکل من نیست» متبلور است. این منطق به وسیله «متفکران» مفلوکی مانند آین رند (Ayn Rand) و موری راتبارد (Murray Rothbard) موعظه شده است. در مورد راند، او معتقد است نسل‌کشی بومیان امریکائی موجه بود، زیرا آن‌ها قوانین مدرن مالکیت را ایجاد نکردند. راتبارد ایده اعزام پولیس برای بیرون راندن بی‌خانمان‌ها و دیگر اعضای «غیرمولد» جامعه را از خیابان‌ها اشاعه می‌دهد. از آغاز همه‌گیری، همکاران و دوستان من از مقررات در خانه ماندن به خشم آمده‌اند. آن‌ها «راه‌های حل» برگرفته از خود فرقه فردی را موعظه کرده‌اند: «اگر نگران مبتلا شدن هستی چرا در خانه نمی‌مانی، و نمی‌گذاری ما کار خودمان را انجام دهیم؟» و «چرا زمان جداگانه خرید برای کسانی که نمی‌خواهند ماسک به صورت بزنند، وجود ندارد؟» آن‌ها هرگز به این فکر نمی‌کنند که اگر در خانه ماندن داوطلبانه باشد شخص چگونه معیشت خود را تأمین کند و نگرانی من این است که آن‌ها اصلاً اهمیت نمی‌دهند.

جامعه برای نبرد با ویروس به جمع‌گرایی نیاز دارد

متوقف ساختن کووید-۱۹ از طریق «انجمن داوطلبانه افراد» ممکن نیست، بلکه فقط با عمل جمعی ما، به مثابه یک جامعه، شدنی است. از ما انتظار می‌رود که خود را نه به مثابه افراد اتمیزه شده، بلکه به مثابه یک کلکتیو بزرگ ببینیم. مؤسسات لیبرالی معیوب ما را که آشکارا به دنبال آئین بازار هستند، باید مجبور نمود که به طور مستقیم و جمعی عمل نمایند.

به عنوان مثال، نظام بهداشتی ما را در نظر بگیرید. حتا اگر واکسین موجود باشد، قیمت آن چقدر خواهد بود؟ مردم اگر بیکار باشند قرار است چگونه قیمت آن را بپردازند؟ اگر ما بتوانیم با دادن یارانه واکسین کووید به همه بدهیم، چرا

نتوانیم کل طب را یارانه‌ئی کنیم؟ اگر ما به بهداشت به مثابه یک کلکتیو نگاه کنیم، چرا این نگاه را به مسکن یا اشتغال نداشته باشیم؟

در این لحظه بحران عمیق، سرمایه‌داری فردگرا چه راه‌حلی ارائه می‌نماید؟ معافیت مالیاتی برای شرکت‌های تولیدکننده واکسین کووید؟ جریمه کردن فرد مایه‌کوبی نشده؟ مردم معافیت مالیاتی نمی‌خواهند، آن‌ها دارو می‌خواهند!

فاشیسم «ما در برابر آن‌ها» را به جای «ما در برابر انقراض» قرار می‌دهد

پیش از این گفته شده است که فاشیسم سرمایه‌داری در بحران یا رو به زوال است؛ گرچه خود تعریف درست است، اما من می‌خواهم برداشت خودم را اضافه نمایم.

فاشیسم تلاش دولت برای تخفیف تضادها در نظام سرمایه‌داری است، تا جای کمی برای «کلکتیو» باز کند و در عین حال منطق اصلی سرمایه‌داری را حفظ نماید. فاشیست‌ها به جای به رسمیت شناختن انسانیت جمعی به مثابه یک کل، «ملت» یا «مذهب» یا هر چیز دیگری را که از بستر مشخص آن برای تمیزه کردن مبارزات مشترک ما استفاده شود، برجسته می‌نمایند؛ فاشیسم «ما در برابر آن‌ها» را به جای «ما در برابر انقراض» قرار می‌دهد.

در جایی که سوسیالیست‌ها به نوع بشر به مثابه یک کل، یک قبیله بزرگ نگاه می‌کنند، فاشیست‌ها ملت‌ها را به مثابه «بدن‌ها» و مردم ساکن در آن‌ها را به مثابه سلول‌های صرف آن بدن، یک نوع فردگرایی جمعی‌شده، می‌بینند. در یک چشم‌انداز سوسیالیستی همدلی نسبت به همه وجود دارد، زیرا فقط همه وجود دارد؛ در چشم‌انداز فاشیستی، ملت یک جانور گوشتخوار در یک جنگل وحشی است، و برای بقا باید به همان اندازه وحشی باشد.

فاشیست‌ها به میزان بسیار زیادی وعده می‌دهند، یا حتی سیاست‌هایی را که در ظاهر متریقی به نظر می‌رسد را – ممکن است حتی مراقبت بهداشتی و مسکن برای همه شهروندان – مطرح می‌کنند، اما آن وعده‌ها برای تعدادی اندک، ساخته شده بر پشت بردگان هستند.

بدترین دهشت‌های رایش نازی نتیجه پایانی منطق فاشیسم بود: یک امپراتوری نسل‌کش، نیروی کار آن از بردگان رنجبری، که تنها دلیل وجودشان حمله به خلق‌های بیش‌تر، برای گردآوری بردگان بیش‌تر، و تولید سلاح جنگی بیش‌تر بود تا کوهی از مجسمه بر پا کنند و ابلهانه خود را «پیروز» اعلام نمایند.

داستان دو مشتری

اواسط روز خانمی وارد خط من می‌شود. او با اوقات تلخی می‌گوید «کاری که چینی‌ها انجام دادند، یک چیز شیطانی است، مسافران خود را برای اشاعه بیماری به همه جا فرستادند.» او پس از آن‌که روشن می‌شود من و همکارانم با او موافق نیستیم از مغازه بیرون می‌رود. مشتری بعدی من یک خانم آسیائی‌تبار است که از ما برای کار کردن در جریان همه‌گیری بسیار تشکر می‌کند. این دو زن دو راهی هستند که ما می‌توانیم برگزینیم: قبیله‌گرایی یا همدلی.

با ادامه بحران، ما با دو گزینه روبه‌رو خواهیم بود: سوسیالیسم یا بربریت. ترمپ لجن ازلی است که واکنش فاشیستی بعدی از آن بیرون خواهد زد.

جهان محبوس نیست به ویران‌شهر (مدینه ضاله) سقوط نماید. با همبستگی پایدار در میان طبقه کارگر، چنان نخواهد شد. ما می‌توانیم و باید جهان را از آن خود نمائیم، جهانی که ارزش زندگی کردن در آن وجود داشته باشد، جهانی که در آن هر انسان از کرامت، آزادی، و ثمرات کار خود برخوردار است. همان‌طور که سرود سندیکائی قدیمی می‌گوید: تو در کدام طرف ایستاده‌ای؟

[Grocery worker sees fascist thinking at root of anti-mask campaign](#)

منبع: دنیای مردم، نشریه حزب کمونیست ایالات متحده امریکا
تارنگاشت عدالت